نگاهی به شرایط داخلی و خارجی منتهی به جنگ تحمیلی در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از پژوهشگران دفاع مقدس

اشتباه دشمن توجه نکردن به مؤلفه‌های داخلی قدرت ایران بود

■ احمد محمد تبریزی

رژیم بعث عراق چندین ماه قبل از شروع رسمی جنگ، تنش و تجاوزهای مرزی را شروع کرده بود و هر بار به بهانه‌ای به پاسگاه‌های مرزی کشورمان حمله‌ور می‌شد. گزارش‌های متعددی از تجاوزهای مرزی عراق، پیش از شروع رسمی جنگ در ۳۱شهریور ۱۳۵۹ وجود دارد، ولی سران سیاسی وقت توجه چندانی به این گزارش‌ها نمی‌کردند. این ساده‌انگاری تجاوزها و سهل‌انگاری از اقدام به موقع، در نهایت منجر به وقوع یک جنگ سراسری در آخرین روز شهریور ۱۳۵۹ شد. برای درک و شناخت بیشتر از فضای پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی با «یحیی نیازی» از نویسندگان و پژوهشگران دفاع مقدس به گفت‌وگو نشستیم تا بهتر در جریان اتفاقات آن روزها قرار بگیریم.

یحیی نیازی، از پژوهشگران دفاع مقدس

از چه زمانی درگیری‌های مرزی ایران و عراق به صورت جدی آشکار شد؟

درگیری‌های مرزی از اول سال ۱۳۵۹ شروع می‌شود. اگر جنگ را به چهار، پنج مقطع تقسیم کنیم، در مقطع اول آن به بحث علل، عوامل و زمینه‌های وقوع جنگ می‌پردازیم که در این مقطع به لحاظ سیاسی بار و کفه موضوعات سیاسی قبل از جنگ سنگین‌تر است و دلیلش این است که باید اتفاقاتی در حوزه سیاست می‌افتاد تا جنگ شروع می‌شد. در آن مقطع چهار کنشگر اصلی وجود دارند که این چهار کنشگر محیط ملی ایران، محیط ملی عراق، محیط منطقه‌ای و محیط بین‌الملل هستند.

پس نخست به بررسی وضعیت داخلی کشور بپردازید.

در محیط ملی ایران به دلیل وقوع انقلاب اسلامی منافع استکبار جهانی، چه بلوک شرق به سرکردگی شوروی و چه بلوک غرب به سرکردگی امریکا به خطر می‌افتد. بلوک شرق و غرب با ایران تعارض منافع پیدا می‌کنند و نقش ژاندارمی که رژیم گذشته داشته از دست می‌رود. از طرفی هم ایران نقطه تعادل غرب آسیاست و این نقطه تعادل از لحاظ ژئوپلتیک تقریباً از دستشان خارج می‌شود. به خصوص با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» امیدهایشان جهت نفوذ در کشور کمرنگ می‌شود. همچنین در این دوره که دوره گذار است و ساختارها و نظام‌های اداری و سیاسی هنوز نوپا هستند تجربه لازم وجود ندارد. ارتش هم به دلیل از دست دادن امرای اصلی خودش، در آن سال‌ها انسجامش را از دست می‌دهد. از طرف دیگر دولت موقت مستقر است و تا دوران بنی‌صدر که منتهی به شروع جنگ می‌شود در حاکمیت شکاف ایجاد می‌شود. آن زمان چنین تنش‌هایی در حاکمیت وجود داشت. از یک طرف گروه‌های مختلفی که مبارزه کرده بودند شروع به سهم‌خواهی می‌کنند و غائله‌های مختلفی مثل غائله گنبد، کردستان و خلق عرب پیش می‌آید و کشور به لحاظ امنیتی و مسائل داخلی دچار تنش‌های اساسی می‌شود. به لحاظ اقتصادی هم ما شرایط خوبی نداریم، واحدهای تولیدی تعطیل می‌شوند، قیمت نفت و ذخایر ارزی کاهش پیدا می‌کند و وقتی معادلات را کنار هم قرار می‌دهیم به وضعیت با ثباتی در کشور نمی‌رسیم.

وضعیت داخلی عراق در آن زمان چطور بود؟

یکی از دلایل شروع جنگ به شخصیت صدام برمی‌گردد. او به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی دنبال رهبری جهان عرب بود که هم بحث سردار قادسیه را مطرح می‌کند و هم یک حادثه حقارت‌باری که برایش در قضیه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر اتفاق افتاده و دنبال فرصتی بود تا این حقارت را جبران کند. از طرفی هم مجامع بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ به او چراغ سبز نشان دادند و می‌دانستند که صدام مستعد شروع یک جنگ است. همچنین برخی کشورهای مرتجع منطقه از صدام حمایت‌های مالی و اقتصادی می‌کردند و به او قول‌هایی داده بودند. بنابراین در شرایط داخلی عراق به دلیل اختلافات مرزی گذشته و ویژگی‌های شخصیتی صدام و مستعد بودن فضای منطقه‌ای و بین‌المللی ظرفیت شروع جنگ وجود داشت.

شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی را در این زمینه چطور تحلیل می‌کنید؟

حاکمان کشورهای پیرامون ما از خیزش مردم علیه حکومت‌هایشان نگرانی داشتند و می‌دانستند اگر اقدامی انجام نشود، ممکن است مردم کشورهایشان به تأسی از انقلاب اسلامی یکی پس از دیگری قیام کنند. آنها هم خواهان برخورد با جمهوری اسلامی بودند. در محیط بین‌الملل اگر چند مؤلفه را در نظر بگیریم یک پای قضیه امریکایی‌ها بودند. امریکایی‌ها منافعشان در ایران به خطر افتاده و هیمنه‌شان شکسته بود. مستشاران نظامی‌شان رفته بودند و سفارتخانه‌شان تعطیل شده بود. دیگر کشورهای غربی به تبعیت از امریکا، مسیر همین کشور را در سیاست‌ورزی دنبال می‌کردند. در بلوک شرق و به طور مشخص شوروی، به دلیل حضور ۶۰ میلیون مسلمان این نگرانی وجود داشت که انقلاب اسلامی بین مسلمانان سرایت و حکومتشان را با مشکل روبه‌رو کند. ضمن اینکه هم امریکایی‌ها بازار خوب تسلیحاتی‌شان را در ایران از دست دادند و در موضوع نفت با مشکل مواجه شدند هم روس‌ها به دلیل تهدیداتی که از ناحیه ایران به سایر کشورها می‌شد فروش تسلیحاتی خوبی داشتند. همچنین مجامع بین‌المللی را هم اینجا داریم. مجامع بین‌المللی در این دوره در سکوت مطلق قرار دارند و آنگونه که باید و شاید نقش خودشان را ایفا نمی‌کنند. شورای امنیت سازمان ملل و مجامع منطقه‌ای مثل جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی در این مقطع جنب‌وجوشی از خودشان برای جلوگیری از وقوع یک جنگ نشان نمی‌دهند. ضمن اینکه در این دوره یک خط رسانه‌ای بسیار قوی علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد و به تخریب نظام می‌پردازد. وقتی به مجموع این عوامل نگاه می‌کنیم و شرایط را کنار هم می‌گذاریم می‌بینیم شرایط برای وقوع جنگ مستعد است.

می‌توان برخی از تصمیم‌گیری‌های سیاسی را هم دلیل دیگری بر وقوع جنگ دانست؟

حزب بعث عراق از اوایل سال ۱۳۵۹ تحرکات مرزی را شروع می‌کند و در کنارش موضع‌گیری‌های دیپلماتیک را هم انجام می‌دهد. یعنی در زمانی که دولت موقت هست ما مواضع سیاسی خیلی قوی‌ای نداریم و دستگاه دیپلماسی ما در حوزه سیاست خوب عمل نمی‌کند. همچنین دولت موقت در حوزه دفاعی هم عملکرد خوبی ندارد که این سلسله اقدامات به کاهش بنیه دفاعی کشور می‌انجامد. کاهش خدمت سربازی و لغو قراردادهای تسلیحاتی از این جمله‌اند.

همچنین گروهک‌ها در جاهای مختلف حضور دارند و منافقین هم قیام مسلحانه را مطرح می‌کنند و غائله‌هایی که پیش می‌آید رژیم بعث عراق را مصمم می‌کند که حمله را شروع کند. پس تعرضات مرزی شروع می‌شود و مرتب رژیم بعث به سازمان ملل نامه می‌نویسد و ما را متهم به دخالت در امور کشورش می‌کند. به نوعی در حال زمینه‌چینی است. در نوار مرزی چه در جبهه‌های غرب و میانی مثل استان ایلام ما چندین تعرض مرزی به پاسگاه‌ها داریم. در منطقه جنوب این تعرض‌ها تعدادش بیشتر می‌شود. ارتش و سپاه اینها را به مقامات عالی گزارش می‌دهند ولی آنچنان که باید و شاید اقدامی انجام نمی‌گیرد. در نهایت به ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ می‌رسیم و یک هجمه سنگینی علیه کشورمان اتفاق می‌افتد و به مدت هشت سال کشورمان را درگیر جنگ نابرابر می‌کند.

آیا مسئولان سیاسی وقت از این درگیری‌های مرزی بی‌خبر بودند؟

به نظر می‌رسد اطلاعاتی که باید می‌رسید، به دست مسئولان وقت رسیده بود. اگر ما سطوح را تقسیم‌بندی کنیم، در سطح راهبردی که در این مقطع بنی‌صدر و تیمش سر کار بودند آنها گزارش‌ها را دریافت می‌کردند اما نوع برخوردشان با این گزارش‌ها غلط بود. به رغم گزارش‌های متعددی که می‌رسید این تیم اعتقادی به شروع جنگ نداشت و به هشدارهایی که حضرت امام می‌داد و به گزارش‌هایی که از مناطق مرزی می‌رسید، کم توجهی می‌کرد. بنابراین در سطح راهبردی غافلگیر می‌شدیم. در سطح عملیاتی که سطح پایین‌تر است اطلاع داشتند، ولی کار خاصی نمی‌توانستند انجام دهند چون اینها باید منطبق با هم باشند.

> همان اولین روز جنگ امام با یک پیام و سخنرانی آرامش را به جامعه برگرداندند. بعد هم پیام‌های متعددی دادند و فرمودند جنگ در رأس امور است و جوانان باید به جبهه‌ها بروند و همین یک جوش و خروش خاصی در کشور به وجود آورد که در بین مؤلفه‌هایی که دشمنان حساب می‌کردند وجود نداشت

در سطح تاکتیک هم عملاً اتفاقاتی نمی‌افتاد و طرح‌های مقابله‌ای که باید اجرا می‌شد اجرا نمی‌شد. ما وقتی نگاه می‌کنیم به معادلاتی که کنار هم چیده می‌شود کاملاً شرایط مستعد شروع یک جنگ است و به اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ می‌رسیم. در این مؤلفه‌ها چیزی را که هم رژیم بعث و استکبار جهانی لحاظ نکرده بودند بحث قدرت نهفته ملت ایران بود که با فرمان امام وقتی به میدان آمد در همان تهاجم اولیه باعث شکستن طرح جنگ سریع و کوتاه مدت دشمن برای اشغال خوزستان شد. نیروهای مردمی با فرمان امام به جبهه‌ها سرازیر شدند و طرح‌های دشمن را با شکست روبه‌رو کردند. این یکی از موضوعاتی است که دشمنان نتوانستند در معادلات خودشان لحاظ کنند. صدام در استراتژی جنگ سریع علیه ایران وعده داده بود هفته آینده به تهران خواهد رسید، ولی توسط نیروهای مردمی با شکست عجیبی روبه‌رو شد.

با وجود اینکه همه چیز برای شروع جنگ عیان بود، چرا سیاستمداران آن زمان آنقدر بی‌تفاوت از این وقایع عبور کردند؟

قبل از شروع رسمی جنگ قوه مجریه که در رأسش بنی‌صدر بود و فرماندهی کل قوا را برعهده داشت به جای توجه به گزارش‌ها، عمدتاً درگیر مسائل سیاسی بود و می‌خواست حرف‌های خودش را در فضای سیاسی به کرسی بنشاند. در آن دوره رئیس قوه مجریه بیشتر درگیر این است که نخست‌وزیر و وزرا چه کسانی باشند. می‌توان گفت کشور به جای اینکه متوجه یک خطر جدی و اصلی باشد درگیر اختلافات سیاسی بود. به نوعی رئیس شورای عالی دفاع کشور دنبال مسائل و گروکشی‌های سیاسی بود. وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم جابه‌جایی‌ها در یگان‌های رزمی به خوبی صورت نمی‌گیرد.

بنابراین اگر بخواهیم به سطح سیاسی کلی کشور برگردیم می‌توان گفت قوه مجریه که ریاست شورای عالی دفاع و فرماندهی کل قوا را برعهده داشت عمدتاً توجهش به مسائل سیاسی داخلی کشور معطوف بود و توجه چندانی به تنش‌های مرزی نشان نداد.

دولت‌های غربی واقعاً باور داشتند که صدام می‌تواند این نقشه‌ها را عملی کند یا در پشت پرده نقشه‌های دیگری را دنبال می‌کردند؟

اساس نگاه بلوک شرق و غرب در آن دوره نابودی انقلاب اسلامی بود و در این شکی وجود ندارد. آنها دنبال این نبودند که دو کشور را درگیر تعارض کنند تا فقط نفتشان را بخرند یا تسلیحاتشان را بفروشند. اگرچه بعدها این برایشان حاصل شد، ولی در آن دوره نگران این بودند که این نظامی که به وجود آمده با توجه به استقبالی که به ویژه در کشورهای منطقه و بین مردم مستضعف دنیا شده ممکن است موج راه بیندازد و منافع آنها را بیش از پیش به خطر بیندازد. به همین دلیل به دنبال سقوط انقلاب اسلامی بودند. آنها شرایط را در وجود صدام و حزب بعث برای شروع جنگ می‌دیدند و به همین دلیل به حمایت از صدام دست زدند. در مسائل بین‌المللی به او کمک کردند و چراغ سبزهای زیادی را به صدام نشان دادند و بعدتر که جنگ شروع شد باز هم واکنشی به جنایت‌ها و تعرض‌های رژیم بعث نشان ندادند. عمده‌ترین مؤلفه‌ای که آنها نتوانسته بودند در برآوردهایشان بررسی کنند حضور خودجوش نیروهای مردمی بود. صدامی که می‌خواست سه روزه خوزستان را بگیرد فقط ۳۴ روز پشت دروازه‌های خرمشهر ماند.

در مقاومت ایلام از زن و مرد و پیرمرد و پیرزن با چوب و چماق به میدان آمدند و جلوی دشمن را گرفتند. اینها مؤلفه‌هایی بود که صدام پیش‌بینی نکرده بود. همچنین آرامشی که حضرت امام به جامعه تزریق کرد در آن روزها خیلی به کمک کشور آمد. همان اولین روز جنگ که مسئولان برآشفته شدند و به مردم هراس عجیبی دست داد، امام با یک پیام و سخنرانی آرامش را به جامعه برگرداندند. بعد هم پیام‌های متعددی دادند و فرمودند جنگ در رأس امور است و جوانان باید به جبهه‌ها بروند و همین یک جوش و خروش خاصی در کشور به وجود آورد که در بین مؤلفه‌هایی که دشمنان حساب می‌کردند وجود نداشت.

نگاه

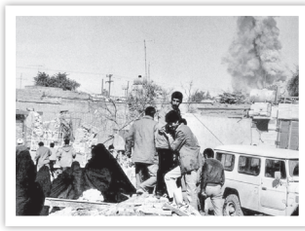

تحرکات مرزی که بوی جنگ می‌داد

امیرابراهیم محمدزاده از خلبان‌های با تجربه هوانیروز، تحرکات مرزی ارتش بعث را نشانه یک جنگ قریب‌الوقوع در سال ۱۳۵۹ می‌داند. در ادامه صحبت‌های محمدزاده در رابطه با وضعیت مرزها و تجاوزهای مرزی عراق، پیش از شروع رسمی جنگ را می‌خوانید.

یک ماه قبل از شروع سراسری جنگ تحمیلی، حملات و تنش‌های مرزی ارتش بعث به اوج خودش رسید. در منطقه سرپل ذهاب و ایلام تعدادی از هلی‌کوپترهای ما به نیروهای ژاندارمری کمک می‌کردند و در جابه‌جایی فرماندهان و مجروحان نقش داشتند.

ما چند هلی‌کوپتر کبری و ۲۱۴ فرستادیم و در اختیار تیپ ابوذر پادگان سرپل ذهاب بودند. به دلیل تیراندازی‌های دشمن، هلی‌کوپترهای کبری تا شروع جنگ وارد عمل نشدند، ولی ۲۱۴ فعالیت زیادی داشتند و کارهای شناسایی را انجام می‌دادند. متأسفانه به دلیل تصمیم‌گیری‌های اشتباه و بی‌توجهی به این تجاوزهای مرزی، وقتی جنگ شروع شد ارتش آماده‌باش نداشت. یعنی هیچ تصمیمی درباره جابه‌جایی یگان‌ها گرفته نشده بود و همه چیز در حالت عادی و طبیعی قرار داشت. ما هم همان روز سی‌ویکم شهریور خدمت عادی داشتیم و پس از ساعت دو بعدازظهر همه از سرکار به خانه‌هایمان برگشتیم. چون چیزی به ما اعلام نکرده بودند و ما هم تابع سلسله مراتب هستیم. خلبان باید تابع دستور در محل مأموریت بماند و سلاح و پشتیبانی‌های لازم از او انجام شود و ما نمی‌توانستیم همینطور در پادگان بمانیم.

وقتی ۳۱ شهریور جنگ شروع شد ما تازه روز یکم و دوم مهر وارد عمل شدیم و تا نیروها برسند و سازماندهی شوند زمان نیاز داشت. البته در اهواز و غرب کشور هلی‌کوپتر داشتیم ولی دستوری که وارد عمل شویم به همان روزهای اول مهر برمی‌گشت. در آن روزها شکی وجود نداشت که ارتش عراق می‌خواهد حمله کند، لشکر کرمانشاه و ۹۲ زرهی مدام نسبت به تحرکات مرزی عراق گزارش می‌دادند و فرماندهان در جریان تعارض‌های مرزی بودند و نمی‌توان گفت که آنها هم از وضعیت بی‌خبر بودند.

خلبانانی که در کرمانشاه حضور داشتند و از نزدیک شاهد اتفاقات بودند می‌گفتند ما بوی جنگ را حس کردیم. در گزارش‌هایی که بعدها منتشر شد، دیدیم که قرارگاه‌های نیروی زمینی در منطقه جنوب مدام گزارش می‌کردند که حمله عراق قریب‌الوقوع است. جنگ هم مثل یک بازی فوتبال است و هیچ وقت کشوری ناگهان وارد جنگ نمی‌شود، بلکه مقدماتش را آماده می‌کند.

شواهد و قرائن ارتش بعث نشان می‌داد کارهایشان، حرکت حمله است و به زودی جنگ را شروع خواهد کرد. وقتی دشمن معبر باز می‌کند، گشتی و شناسایی می‌فرستد و هواپیماهایش برای شناسایی می‌آیند و آتش توپخانه اجرا می‌کند، قطعاً به زودی دست به حمله خواهد زد، اما این نشانه جدی گرفته نشد تا در نهایت یک جنگ تمام عیار در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع شد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۷۷

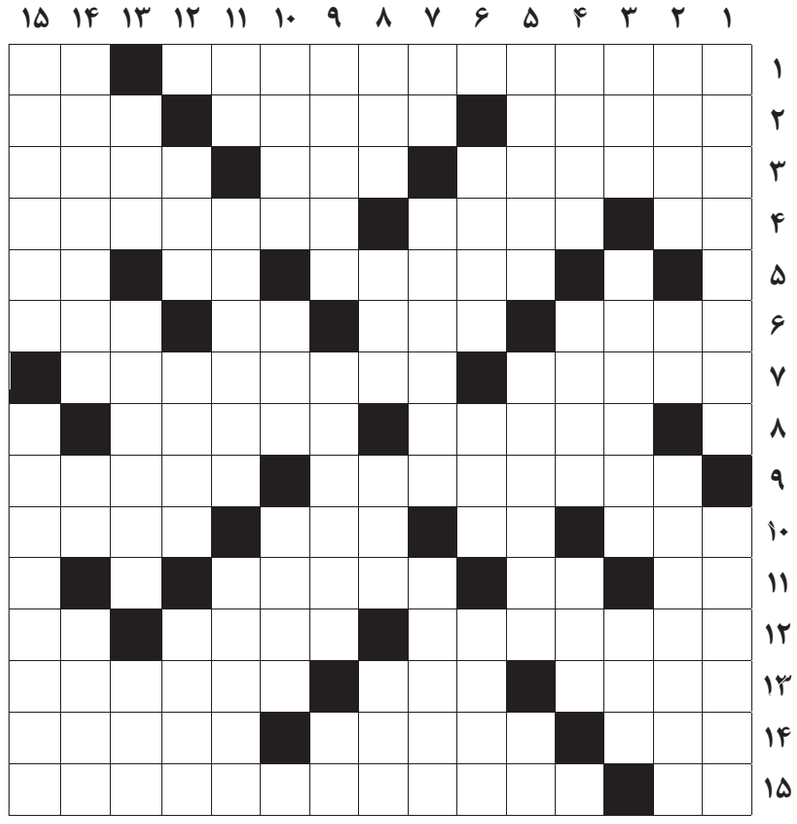

از راست به چپ

■ ۱- امام علی(ع) آن را مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی می‌دانند- خاموش فرنگی ■ ۲- باور قلبی- داستان دنباله‌دار- شکستن ■ ۳- از میوه‌ها- رهبر سوریه- مصرف فلک‌زده ■ ۴- طلا- هواپیمایی ارتش- اداره آگاهی دیروز ■ ۵- دانه سحرآمیز- تکرار حرفی- پاروی قایقرانان ■ ۶- مغز حرام- سیستم عامل قدیمی- تصدیق ایتالیایی- کلمه سؤالی ■ ۷- شهری در اوکراین- تاریخ یا فرصتی که برای انجام کاری در نظر گرفته می‌شود ■ ۸- نوعی تلفن- صندلی دندان‌پزشکی ■ ۹- شخصیت داستانی فرهنگ فولکلور انگلیس- نان فانتزی فرنگی ■ ۱۰- فرومایه- شاه بی‌شین- پول زور- متکا ■ ۱۱- هرگز عرب- آخرین نت- لباس سنتی زنان ارمنستان ■ ۱۲- نوعی سیستم دفاعی در بازی‌های تیمی- خراب و دورانداختنی- غذای نذری ■ ۱۳- گیاه سبز آبزی- برگه کاغذ- کشوری کوچک در آفریقای مرکزی ■ ۱۴- وفای به عهد- متضاد رهایی- جنین ■ ۱۵- جدید- ملقب به معلم ثانی و مؤسس فلسفه اسلامی

از بالا به پایین

■ ۱- همسایه کنیا و اوگاندا- کالسکه ■ ۲- هوس زن باردار- کتف- از بهترین بازیکنان جهان فوتبال در ده سال اخیر ■ ۳- میانه بدن- شبه‌جزیره‌ای در اروپا- سود حرام ■ ۴- شهری در فرانسه- سرزنش- فنی در کشتی ■ ۵- ایالت ببرخیز هندوستان- نژاد ما- مایه حیات ■ ۶- پیروان حضرت موسی- ساقه اصلی درخت- نویسنده فرانسوی قرارداد اجتماعی ■ ۷- خاشاک- فرقه‌ای از خوارج- پسر اردشیر سوم ■ ۸- زنگ کاروان- دانه تسبیح- بیماری مسری خطرناک- واحدنان ■ ۹- بی حرکت- هوشیاری- خیس ■ ۱۰- آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ- ریزه‌های طلا- اولین زائر امام حسین(ع) ■ ۱۱- برج کج- ایالتی در امریکا- بیچاره و دربه‌در ■ ۱۲- آقا و سرور- پیامبر صبور- پذیرفتن سخن ■ ۱۳- جامه آخرت- دوری کردن- جد ■ ۱۴- یکی از چهار فرشته مقرب الهی- خاندان- آیین ■ ۱۵- امام علی می فرمایند آنها چون ابر می گذرند- اطفائیه

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۱	۲						
				۷	۹	۸		
		۴	۶			۷	۲	
۶					۱			
	۷	۱				۲		
	۹				۶		۵	
۳								۹
			۵	۴	۸			۱
								۲

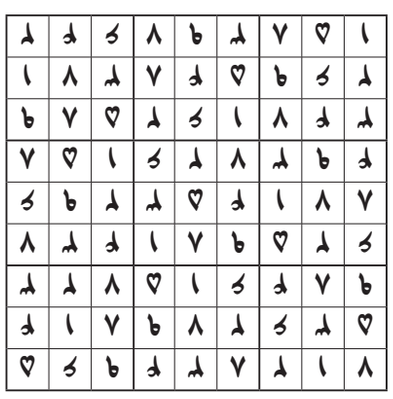

جدول کلمات متقاطع
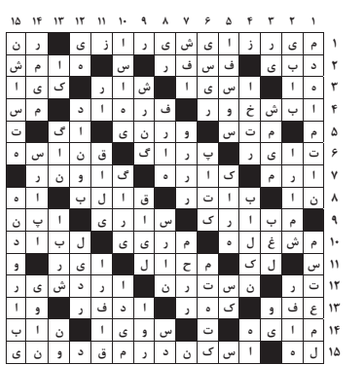
پاسخ جدول شماره ۶۵۷۶